

## تراژدی مرگ



آرژینتین علیپور طهرانی  
تیش

در قسمت‌های قبل خواندید که تیلور، سگ خانم مدنی متوجه شد در ساختمان اتفاقی افتاده است. به همین خاطر مقابل آپارتمان خانواده رحمانی ایستاده، سروصدا می‌کرد و ناخن‌هایش را به در می‌کشید. خانم مدنی همراه خانم مینایی همسایه روبه‌روی آن آپارتمان، از بابا رحیم سربازدار خواستند با کلید زاپاس در را باز کنند. به محض ورود، متوجه شدند آقا و خانم رحمانی بیپوش شده‌اند. به همین دلیل با اورژانس تماس گرفتند. اما مشخص شد که هر دو مرده‌اند. یکی از ماموران اورژانس با پلیس تماس گرفت و سرگرد علوی، مسئول رسیدگی به پرونده قتل این زوج شدند. با تنها دخترش رعنا و همسرش اشکان تماس گرفتند و آنها خودشان را رساندند. رعنا به خاطر بارداری‌اش با دیدن اجساد پدر و مادرش بیپوش شد و اشکان که نگران همسر و فرزندش بود، آنها را به بیمارستان رساند. رعنا باردار بود و همسرش نگران او و فرزندش که در راه بود. سرگرد سوالاتی را از اشکان پرسید و تا بهمودی حال رعنا تحقیق را وارد فاز دیگری کرد. بابا رحیم گزینه بعدی سرگرد برای بازجویی بود.

حال ادامه داستان...

سرگرد از همکاری خواست کپی فیلم‌های دوربین ساختمان را به دست او برساند اما همکاری گفت که ساختمان دوربین ندارد. در این بین سربازی در زد، ادای احترام کرد و وارد اتاق شد و گفت قربان یه پیرمرد اومده، میگه من بابا رحیم هستم. سرباز را ساختمونی که دو نفر توش مردن. سرگرد گفت: بگو بیاد داخل. سرباز، بابا رحیم را به داخل اتاق سرگرد راهنمایی کرد. بابا رحیم وارد شد و کلاه بافتنی‌اش را به ادای احترام از سر درآورد. سرگرد هم برای احترام به پیرمرد از جایش بلند شد و به او اشاره کرد مقابلش بنشیند. بابا رحیم روی صندلی نشست تا به سوالات سرگرد پاسخ دهد. سرگرد پرسید: به من گفتن شما از جوونی تون سربازدار اون ساختمون بودین و جزو قدیمی‌ها محسوب می‌شین. پس باید بدونین خانواده رحمانی چند وقته ساکن اون آپارتمان هستن؟ بابا رحیم دستی به سر کم مویش کشید و گفت: بله من از ۲۰ سالگی توی اون ساختمون کار و زندگی می‌کنم. والا آقای رحمانی ۱۰ سال پیش اون خونه رو خرید. دخترش هنوز درس می‌خوند و توی همون خونه عروس شد. سرگرد گفت: توی این مدت اختلاف یا دشمنی چیزی با کسی نداشتن؟ بابا رحیم گفت: نه خانواده آرومی بودن. سرشون توی کار خودشون بود. همسایه‌های خوبی بودن. خدا رحمت شون کنه. از وقتی پسرشون رفت و دیگه برنگشت، آروم تر هم شده بودن. سرگرد با تعجب پرسید: یعنی چی پسرشون رفت و دیگه برنگشت؟ پسرشون چند سالش بود؟ بابا رحیم گفت: چی بگم والا. پسرشون علی از رعنا خانم کوچیک تر بود. فکر کنم ۲۰ سالش بود. بچه خوب و بی‌آزاری بود. یه روز صبح رفت که با دوستاش بره شمال اما دیگه هیچ خبری ازش نشد. با دوستاش هم شمال نرفته بود و اصلا نیست و نابود شد.

سرگرد به فکر فرو رفت و گفت: چند وقت پیش این اتفاق افتاد؟ بابا رحیم گفت: سه چهار سالی می‌شه. سرگرد با تلفن روی میزش شماره‌ای گرفت و گفت: علی رحمانی ۲۰ ساله، سه چهار سال پیش ناپدید شده. ببین می‌تونی پرونده شو برام پیدا کنی؟ بابا رحیم گفت: پسرم نگرده. چیزی پیدا نمی‌کنی. بنده خداها یک سال دوندگی کردن اما نتیجه نداشت. انگار اون بچه آب شد و رفت توی زمین. سرگرد گفت: بالاخره پیداش می‌کنیم. راستی پدرجان دامادشون هم می‌شناسین؟ چه جور آدمیه؟ بابا رحیم گفت: خیلی پسر خوبی. همکلاسی رعنا خانم بود که داماد خانواده شد اما براشون داماد نبود که. مثل پسرشون بود. خانم رحمانی خیلی دوستش داشت. سرگرد گفت: همسایه‌ها چطور؟ باهم رابطه شون خوب بود؟ بابا رحیم گفت: والا همسایه‌ها همه خوبن. سرشون توی کار خودشون. سرگرد گفت: باشه. شما می‌تونن بری. فقط اگه چیز مشکوکی یادتون اومد به ما خبر بده. بابا رحیم از روی صندلی بلند شد و کلاهش را روی سرش گذاشت و از سرگرد خدا حافظی کرد و رفت. در این بین دکتر مظفری با سرگرد تماس گرفت و گفت که گزارش را برای او ایمیل کرده است. سرگرد ایمیلش را چک کرد و با دقت گزارش را خواند، سپس با دکتر مظفری تماس گرفت و گفت: دکتر، گزارش رو دیدم. مطمئنی با سم کشته شدن؟ دکتر گفت: بله. حدود نیمه شب تموم کردن. حدسم اینه سر شب مایعات به خوردشون دادن. البته هیچ اثر درگیری یا این‌که به زور به خوردشون داده باشن، وجود نداره. احتمالا قاتل یا قاتلان آشنا بودن و خیلی راحت سم

داخل نوشیدنی شون ریخته شده. سرگرد به فکر فرو رفت، تشکر کرد و تلفن را قطع کرد. با دستیاریش تماس گرفت و گفت که برای ادامه تحقیقات باید سری به محل قتل بزنن. سرگرد به آپارتمان خانواده رحمانی رفت و سعی کرد به همه چیز با دقت نگاه کند. به اتاق خواب رفت که جسد آقای رحمانی پیدا شده بود اما چیز خاصی دستگیرش نشد. به سمت آپارتمان خانم مینایی که مقابل آپارتمان رحمانی بود، رفت و زنگ زد. همسر خانم مینایی در را باز کرد. سرگرد خودش را معرفی کرد و به او گفت که می‌خواهد با همسرش صحبت کند. خانم مینایی شال سرش را مرتب کرد. جلوی در آمد و سلام کرد. همسرش هم کنار او ایستاد. سرگرد سوالاتی را درباره خانواده رحمانی و دختر و دامادش پرسید. خانم مینایی گفت: مادوساله اومدیم اینجا. توی این مدت هم ازشون بدی ندیدیم. همسایه‌های خوبی بودن. خیلی ناراحت شدم این اتفاق براشون افتاد. خدا رحمت شون کنه. سرگرد گفت: دختر و پسرشون رو هم می‌شناسین؟ خانم مینایی گفت: رعنا رو چند بار دیدم. مثل پدر و مادرش، آدم آرومیه اما مگه پسر دارن؟ همسر مینایی هم در ادامه حرف‌های همسرش گفت: منم پسرشون رو ندیدم. فقط با دامادشون سلام و علیک داریم. سرگرد گفت: یه پسر داشتن به اسم علی که ناپدید شده. خانم مینایی و همسرش خیلی تعجب کردند. سرگرد از همسر خانم مینایی درباره اشکان سؤال کرد. او هم درباره رابطه خوبی که اشکان با خانواده همسرش داشت، گفت. سرگرد تشکر و خدا حافظی کرد. موقع رفتن، یکبار برگشت و سراغ خانم مدنی را گرفت. آنها سرگرد را راهنمایی کردند که آپارتمان خانم مدنی کدام واحد است. سرگرد برای ادامه تحقیقات، سراغ خانم مدنی رفت.

داستان

تیش

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۷  
چهارشنبه ۶ دی ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۵

تلنگر

## دانستنی حقوقی

■ می‌خواهم ملکی را بفروشم اما می‌ترسم چک خریدار پاس نشه، برای محکم کاری چکار کنم؟  
اول از همه شرط کنید در صورتیکه هریک از چک‌های خریدار در موعد مقرر پاس نشد یا گواهی عدم پرداخت صادر شد فروشنده حق فسخ دارد و خریدار باید ۲۰ درصد ثمن را به عنوان وجه التزام به فروشنده پرداخت نماید و همچنین شرط کنید تا زمانی که تمام مبلغ معامله تسویه نشده است، خریدار حق فروش موضوع معامله به شخص دیگری را ندارد.

■ آیا زن یا شوهر حق قصاص قاتل همسر خود را دارد؟

علیرغم باور عموم، همسر مقتول حقی در قصاص کردن یا نکردن قاتل ندارد. به استناد ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی «ولی دم، همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد.» البته، اگر حق قصاص به هر علت، تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود، همسر مقتول از آن ارث میبرد.

■ آیا خلع ید از ملک قولنامه‌ای امکان پذیر است؟

طبق رای وحدت رویه شماره ۶۷۲ خلع ید از اموال غیرمنقول، فرع بر مالکیت است و طرح دعوی خلع ید از زمین قبل از احراز اثبات مالکیت قابل استماع نیست. از این رو خریدار ابتدا باید برای اثبات مالکیت و الزام به تنظیم سند رسمی ملک اقدام نماید، سپس در مرحله بعد دعوی خلع ید را اقامه و برای رفع تصرف متصرف اقدام کند.

■ زن چه میزان از همسرش ارث می‌برد؟

از آنجاکه طبق قانون اگر شوهر به جز زن وارث دیگری نداشته باشد، زن یک چهارم اموال را به ارث می‌برد و بقیه اموال در حکم اموال بدون وارث به نفع دولت ضبط خواهد شد، شوهر می‌تواند در زمان حیات اموال خود را به همسر انتقال دهد.

